

بسم الله الرحمن الرحيم

نام: فاطمه

نام: خانوادگی روستازاده

موضوع: بررسی اذن ولی بر ازدواج دختر باکره از منظر روایات

کار تحقیقی : مقاله ۲

نام استاد: سرکار خانم ترابی

کد طلبگی: ۹۸۱۲۰۲۳۸۳۸

نام مدرسه: مدرسه علمیه نورالثقلین میانشهر

چکیده

با مراجعه به روایات و فتاوی فقها می‌توان نوعی محدودیت اراده و منع از آزادی در عمل را نسبت به زنان مشاهده کرد. به این معنی که زن باید برخی اعمال و رفتارهای خود را با اذن و اجازه‌ی شخص دیگری انجام دهد. آن شخص در قبل از ازدواج پدر و جد پدری اوست و بعد از ازدواج، شوهر او می‌باشد. و هدف از اذن ولی بر ازدواج دختر باکره این است که در فتاوی برخی از فقها یکی از مواردی که دختر باکره رشیده، باید اجازه پدر یا جد پدری را احراز کند، امر ازدواج است. به این معنی، دختر باکره رشیده، در ازدواج خود آزاد نیست و باید این امر با اجازه و رضایت پدر یا جد پدری صورت پذیرد. و همچنین ضرورت اذن ولی بر ازدواج دختر باکره این است که در حقوق ایران هم طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که نکاح دختر بالغه را موقوف به اجازه پدر و جد پدر نموده است، قانون‌گذار با موثر دانستن اذن ولی شرعی، آن را شرط تنفیذ عقد نکاح قرار داده است و لزوم وجود اذن ولی را مورد تاکید قرار داده است.

بررسی اذن ولی بر ازدواج دختر باکره با توجه به روایات چگونه است؟

روش تحقیق در این مقاله به روش کتابخانه ای است.

کلید واژه: ازدواج . ولی . دختر باکره .

اذن پدر نوعی مراقبت و چتر حمایتی است که قانون برای حفظ دختران پیش بینی کرده است. از آنجا که عموماً دختران بیش از پسران در معرض خطر آسیب های اجتماعی و اخلاقی هستند، و مردان توان دفاعی بیشتری دارند، در اسلام همانگونه که مسئولیت حراست و حمایت از زن به شوهر او واگذار شده، مسئولیت حراست و حمایت از دختر نیز به پدر او سپرده شده است. زنان غالباً اسیر محبت مردان اند و هرگونه اظهار محبتی از سوی مردان را حمل بر صحت و صداقت می کنند. و به راحتی ممکن است فریب مردان ناشایست یا شیاد را خورده، در دام آنان بیفتند. بر این اساس بسیار مناسب است که دختران یا پدران خود، که از احساسات و نیات مردان بهتر آگاه اند اغلب چیزی جز خیر و سعادت برای فرزندان خود نمی خواهند مشورت کرده موافقت آنان را جلب نمایند. شرط اذن ولی مسئولیتی را بر دوش وی می گذارد که باید مصلحت دختر را تشخیص داده آن را رعایت کند، و معنای اعطای حق اذن به ولی آن نیست که وی تکلیفی در رعایت مصالح دختر نداشته باشد.

در برخی کشورها، مانند ایران، اگر پدر یا جد پدری در دسترس نباشند، باید اجازه از دادگاه کسب شود. این امر می تواند برای دخترانی که پدر یا جد پدری خود را از دست داده اند یا با آنها رابطه خوبی ندارند، این اجازه را بدست آوردن راحت تر کند. همچنین، در صورتی که دختری باکره ازدواج کرده و ازدواجش به پایان نرسیده باشد، برای ازدواج دوم نیز نیاز اجازه پدر برای این ازدواج نیاز است. این موضوع به دلیل این است که در برخی فرهنگ ها، ازدواج دوم برای خانواده به عنوان یک مسئله حساس در نظر گرفته می شود و پدر به عنوان سرپرست خانواده، مسئولیت اجازه این ازدواج را بر عهده دارد.

در کل، اجازه پدر برای ازدواج دختر باکره در بسیاری از جوامع به عنوان یک امر مهم و حساس در نظر گرفته می شود. این اجازه به والدین دختر امنیت و آینده دخترانشان را تأمین می کند و به دختران باکره یک احساس امنیت و پایداری در زندگی خانوادگی خود می دهد. با این حال، باید توجه داشت که این مسئله در برخی جوامع و فرهنگ ها به دلیل ارزش های مختلف، به عنوان یک مسئله مهم و حساس در نظر گرفته می شود.

شرایط اساسی ازدواج کردن دختران

دوشیزه یا به اصطلاح باکره در ایران اذن پدر یا اذن جد پدری آن ها می باشد یعنی دختری که باکره است و هنوز هم ازدواج نکرده است حتما باید از پدر یا جد پدری خود برای ازدواج اجازه بگیرد.

در پیشینه ای که مورد نظر است مقاله و پایان نامه و کتاب هایی در مورد بررسی اذن ولی در ازدواج دختر باکره وجود دارد که عبارتند از :

*مقاله

۱- آثار و گستره اذن ولی د نکاح دوشیزه : (نویسنده : فائزه عظیم زاده اردبیلی . شهریور ۱۳۸۸). در این مقاله دو نظریه قابل توجه در میان آراء فقها حقوقدانان بررسی و علت اشتراک بین ولایت پدر و دختر که نظریه مورو قبول قانونگذار می باشد، بیان میگردد .

۲- ازدواج دختر باکره. (نویسنده : عظیم زاده . ۱۳۷۶). ازدواج دختر باکره با اذن ولی دختر امکان پذیر است . طبق نظر شیخ صدوق و اکثر فقهای معاصر دختر دوشیزه برای ازدواج موقت یا دائم، باید از پدر و در صورت نبودن پدر از جد پدری خود اجازه بگیرد .

۳- بررسی تاثیر اذن ولی در ازدواج دختر باکره . (نویسنده : سعیدافراشته ، سال ۱۴۰۰) در این مقاله به نقش اذن ولی شرعی در ازدواج دوشیزگان پرداخته است که باتوجه به حساسیت و اهمیت این مساله در نکاح و آثار ناشی از آن هدف مقاله پرداختن به همین مساله بوده و از منظر مذاهب فقهی اربعه از یک سو و از منظر حقوق ایران از سوی دیگر است .

۴- قابلیت توکیل اذن ولی قهری در عقد نکاح . (نویسنده : محمد عابدی . ۱۳۹۷). در فقه اسلامی، با هدف حمایت از محوران ویا همراه ساختن تجربه با عشق ویا به جهت وجود سنت های تاریخی که ولایت پدر جد

پدری را تو چیه می کند، ولی قهری در تزویج دختر و پسر صغیر و اعطای اجازه به دختر باکره برای نکاح ولایت دارد .

*کتاب

۱- اذن ولی در خصوص ازدواج دختر باکره . (نویسنده: مهدی رضائی زاده . سال ۱۳۸۹) به موضوع اذن ولی در قانون مدنی ایران، فلسفه آن و محدودیت دختران در آزادی انتخاب همسر پرداخته است . اذن ولی، در نکاح که با توجه به لزوم قائل شدن حق انتخاب در ازدواج برای دختر باکره و از طرفی دفع ضرر احتمالی، نیاز به استفاده از تدابیر عاقلانه ی پدر در این رابطه اهمیت زیادی دارد .

۲- اذن ولی در ازدواج باکره . (نویسنده: مهدی ساجدی امین . سال ۱۳۸۰) در مورد نص مداری که از ویژگی های فقهی شیعه است پرداخته است که تلاش اصلی فقیه آن است که مراد شارع را از متون دینی کشف نماید . و همچنین اذن ولی در ازدواج دختر باکره در میان موضوعات فقهی به کثرت روایات متعارض نما مشهور است و همین نکته سبب شکل گیری و دیدگاه های فقهی شیعه شده است .

*پایان نامه

۱- بررسی فقهی و حقوقی اذن ولی در نکاح . (نویسنده: معصومه زینلی . سال ۱۳۸۹). از مسائل قابل ملاحظه در امر ازدواج، ولایت در ازدواج است که عبارت است از: حمایت و پشتیبانی ولی از مولی علیه. شرایط لازمه ولی، برای اعمال این نوع ولایت، کامل العقل بودن، داشتن تعادل روحی و روانی، داشتن ایمان و حس شفقت است .

۲- اذن پدر و جد پدری در نکاح دختر باکره. (نویسنده: زهرا نجفی . سال ۱۳۹۹). در این پایان نامه به ضمانت اجرای نکاح بدون اذن باکره و بطلان نکاح بدون اذن پرداخته است و نواحی که بین طرفین بدون حضور پدر یا جد پدری انجام گیرد محکوم به بطلان می باشد .

جمهور فقهای مسلمان قائل به این هستند که در عقد نکاح، ولی یکی از ارکان این عقد می‌باشد و اگر ازدواج بدون وی صورت گیرد، این عقد باطل می‌باشد. این گروه معتقدند در صورتی که ولی وجود نداشته باشد، زوجه حتی نمی‌تواند که خود صیغه عقد را بخواند. این رای، رای فقهای شافعیه، مالکیه، حنابله، می‌باشد و این گروه برای استحکام رای خود به دلایل زیر استناد نموده‌اند: (البهوتی، ج ۲، ص ۳۵؛ شربین، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ابن قدامه، ج ۶، ص ۴۴۹).

۵-۳ قرآن؛ یکی از دلایل این گروه از فقها این آیه قرآنی است که خداوند می‌فرماید:

"وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ" (بقره ۲۳۲)
هنگامی که شما (ازدواج) آنها را طلاق دادید و مدت عده آنها تمام شد نباید آنها را از شوهر کردن منع کنید، هرگاه به طریق مشروع به ازدواج با مردی تراضی نمایند.

امام شافعی در این زمینه می‌فرماید: در این آیه، معنای ولایت بر زوجه در زمان عقد به قدری واضح و روشن می‌باشد که ممکن نیست این آیه محتمل معنای دیگری غیر از این باشد. همچنین خداوند در این آیه نیز می‌فرماید: "الرجال قوامون على النساء" (نساء ۳۴) فقها با توجه به این آیه، این مورد را از قیمومت بر زنان بر شمرده‌اند. (شافعی، ج ۶، ص ۳۲).

۵-۴ سنت: در مورد صحیح نبودن ازدواج بدون اذن ولی، احادیثی از پیامبر ص روایت شده است که آن را ذکر می‌کنیم: "هر زنی بدون اجازه ولی خود ازدواج کند، ازدواج وی باطل است. این جمله را سه بار تکرار فرموده‌اند. پس اگر با وی مقاربت شده بود، پرداخت مهریه در قبال مقاربت واجب است، پس اگر منازعه نمودند، سلطان ولی کسی است که ولی ندارد." در این حدیث جای هیچ ابهامی نیست و به طور واضح روشن شده که ازدواج بدون ولی باطل است. البته در ازدواج بدون ولی، حد زنا و شوهر واجب نمی‌شود؛ زیرا به دلیل اختلاف فقها در مورد صحت یا عدم صحت ازدواج بدون حضور ولی، شبهه ایجاد شده و همانطور که می‌دانید شبهه حد را ساقط می‌کند. حدیث دیگری نیز از پیامبر ص روایت شده است که می‌فرمایند لا نکاح الا بولی و شاهدین (ترمذی، ج ۳، ص ۴۰۷) یعنی؛ نکاح بدون حضور ولی و دو شاهد عادل صحیح نمی‌باشد. ابی هریره نیز از پیامبر ص نقل می‌کند که: "لا تزوج المراه نفسها، فان الزانية هي التي تزوج نفسها" (قرطبی، ۱۴۰۵)

ق، ج ۳، ص ۷۳). دلیل سوم این گروه بیشتر مربوط به خود زن و مشکلاتی است که ممکن است برای وی پیش بیاید. این گروه معتقدند که زن دارای حجب و حیاست و نمی‌خواهد بدون اذن ولی، در امور زندگی خود شخصا اقدام کند. همچنین زندگی مشکلات زیادی دارد و عقد ازدواج، امر مهمی است و زن نمی‌تواند در این کار به طور شخصی تصمیم‌گیری کند. با توجه به این ادله‌ای که آورده شد، این گروه از فقها بین اینکه زن باکره یا ثبیه یا صغیره یا غیر صغیره باشد، فرقی قائل نشده‌اند و حکم به ابطال را در صورت نبود ولی به همه حالات تعمیم داده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱= در امر ازدواج دختر باکره رشیده، باید اجازه پدر یا جد پدری را احراز کند. یعنی دختر باکره، در ازدواج خود آزاد نیست و باید این امر با اجازه و رضایت پدر یا جد پدری صورت پذیرد.

۲= دختر فقط باید از پدر یا جد پدری اجازه بگیرد و در صورتی که پدر یا جد پدری نباشند یا فوت کرده باشند این ولایت و اجازه به برادر یا عمو و... داده نمی‌شود.

۳= از مجموع بحث‌ها و مراجعه به اقوال و روایات می‌توان به این نتیجه رسید که اگر دختر به حد بلوغ و رشد رسیده باشد به گونه‌ای که بتواند در امور مالی خود به طور مستقل تصرف کند، در انتخاب همسر مستقل است و پدر و یا جد پدری بر او ولایت ندارد و اجازه آنها شرط صحت عقد نیست هرچند جلب نظر موافقت آنها پسندیده و مخالفت آنان، مکروه و ناپسند است.

منابع

- ۱- عبدالباقي، فواد، معجم الالفاظ القرآن الكريم، تهران، ناصر خسرو، چاپ دوم، ج ۲، ص ۸۴۷
- ۲- الراغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، تحقيق صفوان، عدنان داودی، قم، طليعه نور، ۱۴۲۷هـ، چاپ دوم، ج ۳، ص ۸۸۵
- ۳- مغنيه، محمد جواد، الفقه الى المذاهب الخمسه، ۱۳۷۷هـ. ش، موسسه الصادق للطباعة والنشر، تهران. الطبعه الرابعه، ص ۳۲۱
- ۴- مشكيني، ميرزا علي، مصطلحات الفقه، انتشارات جامعه مدرسين، ص ۵۷۳
- ۵- الاحمد نگرى، عبدالحسين، ۱۳۹۵ق، جامع العلوم فى اصطلاحات الفنون بدستور العلماء، موسسه الاعلمى للمطبوعات، ج ۱، ص ۸
- ۶- الفيروز آبادى الشيرازى، ابراهيم بن على بن يوسف، المذهب فى فقه الامام الشافعى، دار الفكر، ۱۳۵۶ق، ج ۴، ص ۱۹۵
- ۷- غرورى اصفهانى، محمد حسين، حاشيه على المكاسب، مكتب الصادق، تهران، ج ۱، ص ۱۴
- ۸- جمال عبدالناصر، انتشارات فرخى، ج ۴، ص ۲۲
- ۹- غرورى اصفهانى، محمد حسين، حاشيه على المكاسب، مكتب الصادق، تهران، ج ۱، ص ۱۳۱
- ۱۰- فصیحی زاده، علیرضا، اذن وآثار حقوقی آن، انتشارات دفتر تبليغات و تحقيقات اسلامى قم، ۱۳۷۷ش، ص ۲۶
- ۱۱- جعفرى لنگرودى، محمد جعفر، حقوق خانواده، تهران گنج دانش، چاپ دو، ۱۳۴۶ش، ص ۱۶۶
- ۱۲- سمرقندى، محمد بن محمد ابو مسعود، التفسير، مكتب العلميه اسلامى، ج ۳، ص ۲۹۹

- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، بنیاد راستاد ۱۳۶۲، ص ۲۲
- ۱۴- آیت الله شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، ناشر موسسه پژوهشی رای پرداز، قم، سال ۱۳۸۳، جلد ۱۱، ص ۳۸۸۶-۳۸۷۰
- ۱۵- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شریع الاسلام، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۵ق، ص ۱۷۴-۱۷۶
- ۱۶- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف الحکام، موسسه نشر اسلامی، ناشر جامعه مدرسین، ۳۸۵-۴۶۰ ق، ج ۴، ص ۲۵۰
- ۱۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، موسسه نشر اسلامی قم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۵۸
- ۱۸- صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، موسسه نشر اسلامی قم، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۹۵
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، تهران. دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج ۷ ص ۳۸۰
- ۲۰- الحر العاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، در احیاء التراث العربی، ج ۱۴، ص ۲۱۵
- ۲۱- الحر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، قم موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۲۳۵-۲۷۷
- ۲۲- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ۱۳، ج ۲۹ ص ۱۷۹-۱۸۴
- ۲۳- نوری طبرسی، میرزا حسن، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، سال چاپ ۱۳۶۹، ناشر آل بیت، ج ۱۴، ص ۳۱۷
- ۲۴- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۲۸
- ۲۵- البهوتی، منصور بن یونس بن ادريس، الروض المربع شرح زاد المستقنع، دارالموید، ج ۲، ص ۳۵

٢٦- الخطيب الشربيني، شمس الدين محمد ابن احمد، مغنى المحتاج الى معرفه معانى الفاظ المنهاج، بيروت دارالمعرفه ج ٣ ص ١٤٧

٢٧- ابن قدامه، موفق الدين عبدالله، الكافى فى فقه الامام احمد حنبل، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤ق، ج ٦، ص ٤٤٩

٢٨- الشافعى القريشى، ابو عبدالله محمد بن ادريس، دارالوفاء، بى تا، ج ٦، ص ٣٢

٢٩- الترمذى، محمد بن عيسى بن سوره، سنن الترمذى، ج ٣، ص ٤٠٧

٣٠- القرطبى، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصارى، الجامع الاحكام القرآن، بيروت دارالاحياء، التراث العربى، ١٤٠٥ق، ج ٣، ص ٧٣.